

The Elements of Economic Decision-Making System in Islamic-Iranian Progress Plan

Sayyed Mahdi Zaribaf*

Received: 15/01/2018

Mahmood Eisavi**

Accepted: 04/08/2018

Amir Khademalizade***

Abstract

Of the most important challenges in designing, constructing and implementing Islamic-Iranian Pattern of Progress (IIPP), is recognition of problems and challenges of Iranian economy. This can be the starting point of socio-economic movement of Iranian society in the way of IIPP. Recognizing these problems and challenges is helpful when it is based on a theoretical framework and methodology extracted from the context of IIPP. In fact, identifying economic problems is preceded by a scientific theory about Islamic progress. Relying on Structural Justice as the basic theory of IIPP, it is aimed in this paper to introduce the methodology of extracting economic problems and challenges. So, in accordance with the SJ theory on necessity of balanced growth, the economic problems and challenged must be recognized from the standpoint of unbalancements and monopolies. In this regard, we have reached to three structural challenges in Iranian economy as to say: (i) banking system (unbalancement in creation and distribution of money); (ii) land and construction (unbalancement in circulation of capital in private sector); and (iii) oil and gas (unbalancement in acquiring and distribution of natural resources). In conclusion, it is emphasized that any strategy of moving toward Islamic-Iranian Progress rests on removing or at least alleviation of these unbalancements in Iranian economy.

Keywords

Economic System, Decision Making, Justice, Islamic-Iranian Pattern of Progress, Social Justice.

JEL Classification: B59, P49.

* Manager of Economic Principles and Models Research Center, Tehran, Iran (Corresponding Author), zaribaff@gmail.com

** Assistant Professor of Allame Tabatabaee University, Tehran, Iran, eisavim@yahoo.com

*** Assistant Professor of Allame Tabatabaee University, Tehran, Iran, aalizadeh@atu.ac.ir

مؤلفه‌های نظام تصمیم‌گیری اقتصادی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۸۵ روز نزد نویسنده(گان) بوده است.

سیدمهدی زریباف*

محمود عیسوی**

امیر خادم‌علیزاده***

چکیده

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان چشم‌اندازی جدید برای مطالعه و حل معضلات کشور و به‌ویژه مسائل اقتصادی، زمینه نظریه‌پردازی و نوآوری در شناخت چالش‌ها و ارائه راه‌حل‌های بدیع برای اقتصاد کشور فراهم کند. این الگو از یک سو متناسب به مبانی دینی و ارزشی جامعه ماست و از سوی دیگر، نظر به واقعیت‌ها و عینیت‌های جامعه ایران دارد و محقق در این چارچوب باید مسیر مبنا تا مدل را طی کند تا هم در انتزاعات مبانی گرفتار نشود و هم از تشتت و بی‌مبنایی در حل مسأله در امان بماند.

در این مقاله با ارائه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت براساس نظریه مبنای عدالت ولایی، تلاش شده است به‌طور خاص به مؤلفه‌های نظام تصمیم‌گیری اقتصادی ایران پرداخته شود. براساس این تلقی مختار از الگو، نظام تصمیم‌گیری یکی از چهار نظام اصلی در ایجاد توازن حقوقی در اقتصاد کشور است. سپس با تطبیق این الگو با واقعیت‌های نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور، تلاش شده است نمایی کلی از وضعیت فعلی نظام تصمیم‌گیری در تناسب با الگو ترسیم شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرچه تلاش‌هایی برای تطبیق نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور با مقوله عدالت صورت گرفته است، همچنان عدالت به‌مثابه روش نتوانسته است در این نظام رسوخ پیدا کند. همچنین اگرچه در اسناد بالادستی نظام به ارزش و جایگاه عدالت تأکید بسیاری شده است، اما فقدان ارتباط مبنایی بین نظام‌های حقوقی و تصمیم‌گیری مانع از تحقق عدالت در ساختارها و خروجی‌های اقتصادی کشور شده است.

واژگان کلیدی

نظام اقتصادی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظام تصمیم‌گیری، عدالت ولایی، توازن حق‌مدار.

طبقه‌بندی JEL: B59, P49

* مدیر مرکز تحقیقات مبانی و مدل‌های اقتصادی بومی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) zaribaff@gmail.com

** استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران eisavim@gmail.com

*** استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران aalizadeh@atu.ac.ir

مقدمه

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با ارائه چارچوب نظری جدید برای شناسایی و حل مشکلات کشور به طور عام و مشکلات اقتصادی به طور خاص، چشم انداز نوینی را در برابر تحقیقات علمی گشوده است. اگرچه جدید بودن این چشم انداز زمینه گمانه زنی و نظریه پردازی درباره ماهیت و محتوای این الگو را فراهم می کند، تلاش های متعددی توسط اندیشمندان مختلف با زمینه های علمی متفاوت انجام گرفته است.

در این مقاله ابتدا تلاش می شود با مرور و دسته بندی مطالعات و رویکردها در زمینه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تلقی مختار از این الگو تبیین شود. در این تلقی مختار، نظریه عدالت ولایی به عنوان نظریه مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تبیین شده است. سپس براساس این نظریه مختار که در واقع چارچوب نظری مقاله را شکل می دهد، به تبیین مؤلفه های نظام تصمیم گیری اقتصادی به عنوان یکی از چهار نظام اصلی الگو می پردازیم. سپس برای تطبیق الگوی نظری عدالت بنیان با مقتضیات نظام تصمیم گیری موجود در کشور (جنبه ایرانی بودن الگو) به تحلیل و بررسی دو سند بالادستی در نظام تصمیم گیری کشور پرداختیم که عبارتند از سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی. انتخاب این دو سند از این جهت صورت گرفته است که در هر دوی این سیاست ها تصریحات روشنی در زمینه لزوم ابتدای نظام تصمیم گیری بر محور عدالت دیده می شود. البته باید تأکید کنیم که انتخاب این دو سیاست کلی نظام از باب نمونه و برای مشخص تر شدن و عملیاتی تر شدن تلقی مختار از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر نظریه عدالت ولایی صورت گرفته است و اصراری بر انحصار و توقف در آنها نیست.

۱. پیشینه پژوهش

رویکردهای متفاوتی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وجود دارد و هر متفکر با توجه به زمینه فکری و پیشینه علمی خود، مسیر متفاوتی را برای ورود به آن اتخاذ کرده است. به منظور تبیین رویکرد مورد نظر در این مقاله، ابتدا مروری می کنیم بر رویکردهای مختلف به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

یکی از رویکردهای مطرح به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رویکرد عقلانیت دینی است. در این رویکرد توجه اصلی به حجیت عقل در الگوی اسلامی معطوف است. بدین معنا که عقلانیت علاوه بر اینکه رابطه طولی بین خالق و مخلوق را تفسیر می‌کند، باید بتواند در سطوح عرضی نیز روابط بین پدیده‌ها و نیز روابط انسان با سایر پدیده‌ها را نیز تبیین کند و به صورت نظام‌واره، تحلیلی از کیفیت روابط منطقی ارائه کند. به تعبیر خسروپناه (۱۳۹۲) «عقلانیت کوثری جامع‌نگر» زمانی تحقق پیدا می‌کند که هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی جامع‌نگر وجود داشته باشد. (خسروپناه، ۱۳۹۲، ص. ۵۲). در این نگاه، روش‌شناسی حکمی اجتهادی از عقل طولی و عرضی پیروی می‌کند و این دو را به هم مرتبط می‌کند. به تعبیر دیگر، این منطق، نوعی نظام است که بخشی از آن طولی و بخشی دیگر از آن عرضی است. در حوزه ارزش‌شناسی نیز شیعه معتقد است که افعال دارای حسن و قبح ذاتی است که به وسیله عقل و شرع قابل درک است و مجموع آنها نظام ارزشی را تشکیل می‌دهد (خسروپناه، ۱۳۹۲، ص. ۶۱).

رویکرد دیگر به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت براساس رویه برنامه‌ریزی‌های هدفمند است. در این رویکرد که رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک نامیده می‌شود، با طراحی اهداف ایدآل و اهداف ممکن و در دسترس، می‌توان مسیر طراحی و برنامه‌ریزی الگو را در عرصه‌های مختلف و متفاوت ساماندهی کرد. عبدی (۱۳۹۲) با تأکید بر نقش برنامه‌ریزی راهبردی معتقد است: «ما به سطحی از افراد در حوزه تصمیم‌گیری استراتژیک نیاز داریم که فارغ از رفت‌وآمد دولت‌ها به این مسائل فکر کند. سیاست کلان کلی استخراج می‌شود که براساس آن می‌شود تصمیم گرفت که بخش نظامی، تحقیقات هوافضا، صنعت و... چقدر باید رشد کنند؛ یعنی ابتدا استراتژی و جهت‌گیری مشخص می‌شود و سپس براساس آن استراتژی، الگوها شکل می‌گیرند» (عبدی، ۱۳۹۲، ص. ۲۲۴). در رویکرد مدل‌های فرآیندگرا و نتیجه‌گرا، منزلت الگو بالاتر از سیاست‌های کلی نظام و نیز برنامه‌های پنج ساله کشور است و این الگو باید مبنایی برای فهم سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، اسناد مشابه و یا دیدگاه‌های رهبری نظام باشد. بنابراین، برای رسیدن به این نتیجه بهترین روش آن است که بتوان به کمک روش‌های مدل‌سازی، تمامی مؤلفه‌های الگو را

اولاً از منظر نظام رهبری بازشناسی کرد و سپس در قالب مدلی مفهومی، نسبت آن را با الگو به دست آورد و از طریق بازسازی نظام تصمیم‌گیری و مدیریت کشور، الگوی اسلامی را ساماندهی کرد. اعرابی (۱۳۹۲) با بررسی جنبه‌های مختلف رویکرد فرآیندگرایی و نتیجه‌گرایی معتقد است که پیش از مدلسازی، مبنای قرارداد نظریه‌ای پایه بر اساس آموزه‌های اسلامی، ضرورت دارد. پس از آن، می‌توان از هر دو نوع مدل، یعنی فرآیندگرا و نتیجه‌گرا برای تدوین الگو بهره برد (اعرابی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۴).

بر اساس رویکردی دیگر، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از جهان‌بینی آغاز می‌گردد و پس از انجام بررسی‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی از منظر تفکر اسلامی، اسلامیت الگو را در قالب اوضاع مختلف ایران به‌عنوان زمینه و بستر ظهور الگو دنبال کرد. نبوی و ملایری (۱۳۹۲) با اتخاذ رویکرد ارزشی-زمینه‌ای بیان می‌کنند: «در بررسی مؤلفه‌های توسعه کشور نیز باید ببینیم توسعه در جامعه موجود ایران چه معنایی دارد. در اینجا است که عناصر بومی و ارزشی وارد تحلیل‌ها خواهند شد و توسعه متفاوتی را رقم خواهند زد» (نبوی و ملایری، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۷). همچنین عیوضلو (۱۳۹۲) معتقد است: «در میان روش‌شناسی‌های موجود، «برنامه پژوهشی لاکاتوش» از ظرفیت بالاتری برای تدوین نظریه‌های اسلامی برخوردار است. این روش‌شناسی توان راهبردی نظریه‌ها و همچنین نوع پیشرفت یا پسرفت آنها را مشخص می‌کند (عیوضلو، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۴ و ۱۹۵).

رویکرد دیگر، رویکرد تاریخی و تمدنی است. در این رویکرد، اولاً باید شکاف‌های تاریخی میان نظریات متفکران پیشین و کنونی را درباره مقولات توسعه‌ای، برطرف کرد و ادبیات نهفته در درون تاریخ را بازشناخت و سپس در مرتبه‌ای دیگر، مسیر تحقق را با توجه به دگرگونی‌ها و تحولات موجود دنبال کرد. میرباقری (۱۳۹۲) در تبیین این رویکرد بر این باور است که «برای تدوین الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، نیازمند آن هستیم که فلسفه تاریخی اسلام را به درستی شناسایی کرده و تأثیرات آن را در مفهوم پیشرفت بررسی کنیم. این فلسفه تاریخی که مبتنی بر نزاع میان حق و باطل است با فلسفه اومانستی و سکولار علوم غربی متفاوت بوده که این تفاوت در سه ساحت بنیان‌های اخلاقی،

ساختارهای اجتماعی و کارکردهای اجتماعی بروز و ظهور پیدا کرده و موجب تغییر در حوزه گرایش و بینش و دانش جامعه خواهد شد» (میرباقری، ۱۳۹۲، ص. ۲۳).

رویکرد دیگر، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را فعلیت‌بخشیدن به قانون اساسی و اسناد بالادستی می‌داند. طرفداران این دیدگاه معتقدند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خودی‌خود همان الگوی اسلامی است و مشکل اصلی، ضعف در توجه به روح قانون اساسی در سطح عملکردی و رفتارسازی است. سبحانی (۱۳۹۲) معتقد است «در جامعه الگویی وجود دارد و الگوی مدنظر همان «قانون اساسی» است که البته می‌توان این الگو را براساس شرایط روز تکمیل و یا اصلاح کرد» (سبحانی، ۱۳۹۲، ص. ۲۶۵).

برخی از متفکران با رویکرد نظام‌گرا و نهادی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته‌اند. براساس این دیدگاه الگوی اسلامی نظام‌واره‌ای اسلامی است که از تمامی مشخصات نظام از قبیل هدف، ارکان، اصول، اجزا، روابط و نهادها برخوردار است و باید بتوان آن را در قالب مجموعه‌ای هماهنگ و معنادار بازشناسی کرد. مسعود درخشان (۱۳۹۰) معتقد است تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اقتصادی «مستلزم تصرفات مبنایی در مفاهیم، شاخص‌ها، نهادها و سیاست‌گذاری‌های است. به‌عنوان مثال، نمی‌توان نهادهایی همچون بانک و بورس را که زاییده و پرورش یافته نظام سرمایه‌داری است، بدون ملاحظه و ارتباطات مبنایی آنها، وارد نظام اقتصاد اسلامی کرد و عملکرد آن را به اجزایی تجزیه و هر جزء را تحت یکی از ابواب فقهی، اسلامی کرد و سپس عملکرد کل این نهادها را اسلامی تلقی کرد» (درخشان، ۱۳۹۰، ص. ۳۰). ابراهیم سوزنچی (۱۳۹۱) نیز از زاویه دیگری معتقد است که می‌توان رابطه معنادار و مهمی میان رشد تکنولوژی در نظام سرمایه‌داری از یک طرف و افول معنویات از طرف دیگر پیدا کرد (سوزنچی، ۱۳۹۱، ص. ۲۴). در نگاه او، چنین فهمی از نظام سرمایه‌داری در نهایت به پارادایمی فکری منجر می‌شود که طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را بسیار فراتر از انجام تغییرات در نظام بانکی، یا یادآوری توجه به ارزش‌های اخلاقی یا احیاناً توسعه مجموعه‌ای از استراتژی‌ها می‌داند (سوزنچی، ۱۳۹۱، ص. ۲۴).

با مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ملاحظه می‌شود که در تمامی این رویکردها، نگاه مبنایی به عدالت وجود ندارد بلکه عدالت بیشتر

به‌عنوان هدف و در عرض سایر اهداف اجتماعی و اقتصادی مطرح می‌شود. علاوه بر این، مسأله اساسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نحوه برقراری ارتباط منطقی بین مبانی اسلامی و مسائل اجتماعی و اقتصادی در جهت حل آنهاست. به بیان دیگر، نظریات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ارائه روش برقراری ارتباط نظام‌مند و منسجم میان جنبه اسلامی بودن الگو و مسائل و چالش‌های عینی ایران دچار نقص یا کمبود هستند. ایده «عدالت به مثابه روش» براساس نظریه عدالت ولایی می‌تواند تاحدی این شکاف را پر کند. بر این اساس، در ادامه مقاله، به بیان «توازن حق‌مدار» به‌عنوان روش مطلوب در تدوین الگوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نحوه ایجاد ارتباط میان مبانی اسلامی و مسائل اقتصادی کشور می‌پردازیم.

۲. عدالت ولایی به‌عنوان نظریه مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

عدالت در بُعد اجتماعی با آنکه از شریف‌ترین انگیزه‌های انسانی است، در عین حال معیار قانون‌مندی و تنظیم نظام اجتماعی و اقتصادی نیز هست و اقتضائات عقلی آن قابلیت تعمیم و سیاست‌گذاری مبتنی بر آن را دارد. عدالت در عین ایجاد توازن در زندگی اجتماعی و مادی بشر، در ذات خود پویایی و تکامل روحی و معنوی آحاد جامعه را فراهم می‌آورد و مستقیماً به فضائل انسانی و اخلاقی مرتبط می‌شود (زریباف و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۷ و ۱۶۸). به تعبیر دیگر، عدالت در این نگاه، صرفاً به‌عنوان یک هدف در عرض رفاه و کارایی مطرح نمی‌شود، بلکه خود رفاه و کارایی باید در بستر عدالت معنا شوند و جایگاه نسبی و اولویت‌بندی آنها براساس معیار عدالت تبیین شود. به‌نظر می‌رسد عدالت مفهومی ارزشی، مطلق و مبنایی است که سایر ارزش‌ها و اهداف براساس آن تفسیر و رتبه‌بندی می‌کند.

براساس نظریه عدالت ولایی، شناخت حقیقی و شناخت واقعی از «حق» آغاز می‌شود و در فرآیند اقتضائات و سلسله علل طولی و عرضی و در ربط با سایر پدیده‌ها، ماهیت واقعی خود را در ظرف زمان و مکان به‌دست آورده و نقش‌آفرینی می‌کند (زریباف و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۸ و ۱۹۶). این حرکت در راستای ایجاد توازن معیشتی و بی‌نیازی در زندگی انسان است. نظریه عدالت ولایی به‌عنوان زیربنای علوم انسانی و اجتماعی،

به دنبال تنظیم روابط انسانی است نه صرف تبیین و توصیف رفتارها و پدیده‌ها (زریباف و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۹). این تنظیم روابط باید براساس حق صورت گیرد. با این نگاه، اقتصاد اسلامی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به دنبال شناخت و احقاق حقوق ناظر به معیشت به روشی عادلانه است. براساس این تفکر، مهم‌ترین عامل شناخت و نیز روش‌شناسی تحلیل در اقتصاد اسلامی درک ضریب عینیت‌پذیری نظریه‌های اقتصادی بر مدار حق و عدالت است؛ چه در سطح تکوینی که اراده بشری در آن راهی ندارد و چه در لایه‌های تشریحی که توأم با انتخاب‌ها و گزینش‌های انسان است.

۳. توازن حق‌مدار

وقتی عدالت را به مثابه روش علمی بدانیم، با توجه به تلقی دینی از عدالت، حقوق ارکان مختلف دخیل اعم از فرد، خانواده، جامعه، طبیعت و دولت، باید به گونه‌ای متوازن و هماهنگ در سطوح مختلف عدالت‌پذیری ایفا شود. توازن مفهومی محوری و برآمده از عدالت است که به صورت راهبردی و منطقی برای اتصال به عینیت است و عدالت را به عینیت نزدیک می‌کند. بر این اساس می‌توان به فرآیندهای سه‌گانه «تحقیق»، «تحقق» و «احقاق» (یا همان تکلیف) قائل شد (زریباف و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۷۰). این فرآیندها ناظر به نظام انگیزه، نیاز و امکان صورت می‌گیرد:

- در فرآیند تحقق، مکانیسم، ایجاد بسترها و توانمندی‌های لازم و نیز فرآیند متناسب‌سازی امکانات و نیازها، نظام اولویت‌بندی‌های منطقی و در نهایت دستیابی به راهبردهای معین طبقه‌بندی‌شده برای حرکت گام‌به‌گام نظام فکری تبیین می‌شود. خروجی اساسی این بخش از فرآیند پژوهش، دستیابی به سندی راهبردی است که شاخص‌های حقوقی تکلیفی ره‌آورد آن خواهد بود.
- در فرآیند احقاق، به دنبال احقاق عینی حقوق است و در آن تلاش می‌شود تا براساس الزامات و شرایط ضروری عینی، شاخص‌های حقوقی تکلیفی و کمیت و کیفیت‌ها سامان یابند و براساس نظام برنامه‌ریزی متناسب، مدل کاربردی پیشنهادی برای تحقق نهایی حقوق ارائه گردد.

در تمامی این فرآیندها به توازن میان امکانات و نیازها و میزان هم‌سویی آن با انگیزه‌ها توجه می‌شود. البته توازن امری ایستا نیست بلکه در طول زمان متحول می‌شود و بسته به مقتضیات زمانی و مکانی، سطحی از توازن را در حقوق و تکالیف می‌توان ایجاد کرد (زریباف و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۱). در این زمینه، نظریه توازن حق‌مدار به عینیت‌ها و واقعیت‌ها یا به تعبیری امکانات و نیازها توجه می‌کند و نظام‌نامه حقوقی تکلیفی را براساس محدودیت‌های زمانی و مکانی عملیاتی می‌کند. بنابراین با تغییر وضعیت یعنی امکانات و نیازها، توازن را باید در سطحی دیگر برقرار کرد. به بیان دیگر، می‌توان مدارهای مختلفی را برای توازن حق‌مدار در نظر گرفت که در هر وضعیتی، باید در نزدیک‌ترین مدار توازن قرار گرفت. با برقراری توازن حقوقی در یک سطح، به دلیل وسعتی که در زندگی ایجاد می‌شود، ظرفیت‌ها و امکانات جدید و متقابلاً نیازهای جدیدی در جامعه ایجاد می‌شود که عینیت‌ها را تغییر می‌دهد. در وضعیت جدید باید مجدداً توازن را در سطحی بالاتر برقرار کرد و جامعه را در مسیر حق و صراط مستقیم پیش برد. این چرخه توازن تا بی‌نهایت می‌تواند ادامه یابد و حد یقینی را نمی‌توان برای آن تصور کرد، چرا که جامعه با قرارگرفتن در سطوح بالاتر توازن حق‌مدار، در مسیر توحید پیش می‌رود و چون توحید حد ندارد این حرکت هم نهایت نخواهد داشت. این ویژگی حرکت در مدارهای عدالت‌پذیری را «نسبیت تکاملی تنظیمات» می‌نامیم.

۴. جایگاه نظام تصمیم‌گیری اقتصادی و ارتباط آن با دیگر نظام‌های الگو

اگر نظریه عدالت ولایی به‌عنوان نظریه مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر بگیریم و توازن حق‌مدار را به‌مثابه روش تحقق آن بدانیم، می‌توان گفت که براساس این برداشت از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، حرکت جامعه ایران در مسیر پیشرفت و تعالی از طریق شناخت مسیر حق و نیز حرکت متوازن در آن مسیر محقق خواهد شد. حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب، مراتب مختلفی دارد و از نفی مغایرت نهادها و روابط و نظامات موجود با وضع مطلوب آغاز شده و تا تطابق کامل با آن ادامه می‌یابد. در مسیر حرکت جامعه به سمت وضع مطلوب، اولین گام شناخت نظام مطلوب است. نظام مطلوب و ایدآل مبین جهت صحیح و حق حرکت جامعه، به‌طورکلی و در

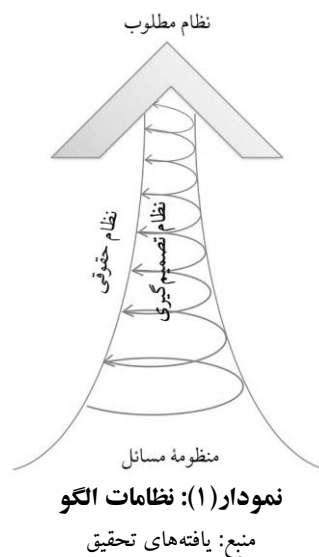
هر مقطعی از زمان خواهد بود. در این نظام که بیانگر مقصد مطلوب در حرکت پیش‌رونده اقتصادی است، توازن حق‌مدار به صورت «رشد متوازن» ظاهر می‌گردد. منظور از رشد متوازن، رشدی است که جامع و همه‌جانبه باشد و تمامی ابعاد زندگی بشری یعنی مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، درونی و بیرونی را به صورت متوازن شامل گردد و به گونه‌ای اتفاق افتد که منابع، مصارف یا امکانات و نیازها به سمت «توازن حداکثری» و در راستای تأمین حقوق حرکت کنند (زریباف و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۶۹). بنابراین تأکید هرچه بیشتر بر تحقق «رشد متوازن» موجب آرایش بهتر اجزا، عناصر و مؤلفه‌های نظام اقتصادی می‌شود و طبعاً نتایج آن نیز مثمرتر خواهد بود.

برای تحقق توازن حق‌مدار، علاوه بر شناخت نظام مطلوب و مؤلفه‌های آن، نیازمند حلقه‌های واسط دیگری هستیم که وظیفه تنظیم‌گری و متوازن‌سازی حقوق را برعهده دارند. این حلقه‌های واسط را در قالب دو نظام حقوقی و نظام تصمیم‌گیری می‌توان ترسیم کرد که به لحاظ منطقی در طول یکدیگر هستند.

نظام حقوقی بیانگر مسیر و بستر حرکت و چارچوب حقوقی و صحیح آن است. طراحی و تدوین این نظام حقوقی از یک سو برآمده از سنن الهیه و آیات و بینات الهی است که حجیت و شرعیت حرکت صحیح را تبیین می‌کنند (صراط مستقیم) و از سوی دیگر، متناسب با نیازها، امکانات و اقتضائات بالقوه و بالفعل است به نحوی که امکان عملی شدن تصمیم‌ها و انتخاب‌های دولت را می‌دهد.

پس از استخراج نظام حقوقی، نوبت به تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی می‌رسد که در مجموع تبیین‌کننده کیفیت حرکت اقتصادی است. نظام تصمیم‌گیری بیانگر «مشی متوازن (یمشی سویا)»^۱ و متناسب است که انتخاب‌ها، عمل، تصمیم و اقدام عادلانه را در هر مقطعی از زمان و در هر سطحی از سطوح پیشرفت، ارائه می‌دهد (زریباف، ۱۳۹۲، ص. ۸۰). اهمیت این نظام از آنجاست که تمامی تنظیمات عادلانه هنگامی بروز می‌یابد که نظام تصمیم‌گیری از فرآیندهای مبتنی بر عدالت برخوردار باشد یعنی انتخاب‌ها عادلانه و در مسیر تحقق عبودیت الهی باشد، رابطه میان انسان با خدا را مستحکم کند و سپس سایر روابط فردی و اجتماعی را براساس این رابطه بنیادین

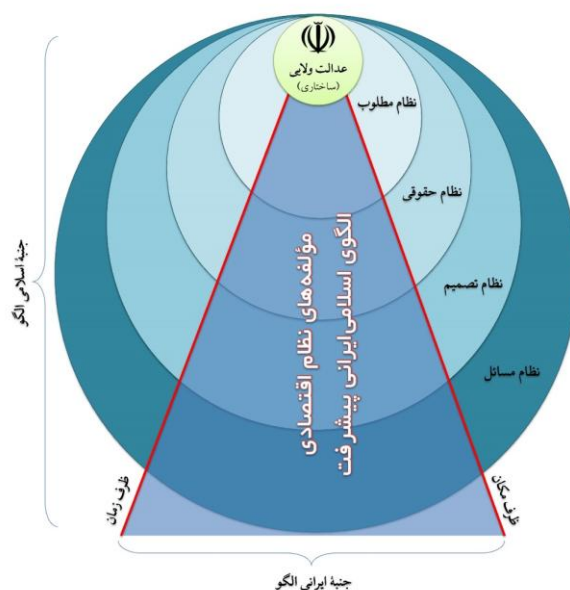
تنظیم و سیاست‌گذاری کند. بدین ترتیب نظام حقوقی مبتنی بر حق الهی محقق می‌شود و در نهایت، با تحقق یافتن این حقوق اجتماعی، زمینه‌های رشد متوازن فراهم می‌شود. پرواضح است که حرکت جامعه بر اساس عدالت نیازمند شناخت نقطه شروع حرکت است و این نقطه شروع، وضع موجود جامعه است. در واقع، نقطه شروع حرکت در قالب نظام مسائل، تفسیری جامع و دقیق از واقعیات عینی را ارائه می‌کند و امکانات و فرصت‌ها را از یک سو و نیز محدودیت‌ها و موانع را از سوی دیگر، نشان خواهد داد. می‌توان گفت که نظریه پیشرفت مبتنی بر عدالت ولایی، پیشرفت جامعه به سوی تعالی را در گرو احقاق حقوق ارکان جامعه به صورتی متوازن می‌داند و بر این اساس، علاوه بر ترسیم نظام مطلوب و شناخت وضع موجود در قالب نظام مسائل، در مسیر تنظیم و احقاق متوازن حقوق، بر استخراج نظام حقوقی و نیز نظام تصمیم‌گیری تأکید می‌کند. نمودار (۱) بیانگر روابط بین نظامات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.



همان‌طور که در این نمودار فوق مشخص می‌شود، نظام حقوقی بستر حرکت جامعه را شکل می‌دهد و نظام تصمیم‌گیری در چارچوب این نظام حقوقی، اقتصاد و جامعه و

سیاست کشور را از سطح موجود (مسائل و چالش‌های موجود) به سمت نظام مطلوب هدایت می‌کند. تحقق مؤلفه‌های نظام‌های مختلف الگو در هر سطحی، باعث ارتقای عدالت‌پذیری جامعه می‌شود. بنابراین، مؤلفه‌های جدیدتری در هر نظام باید شناسایی و تطبیق داده شوند.

با استخراج مؤلفه‌های هر کدام از نظام‌های چهارگانه مطلوب، حقوقی، تصمیم‌گیری و مسائل، می‌توان به شاخص‌ها و معیارهای کیفی و کمی برای آسیب‌شناسی اقتصادی ایران و همچنین ارائه راهکارهای لازم برای حرکت اقتصاد کشور در مسیر مطلوب دست یافت. نمودار (۲) بیانگر ارتباط مبنایی مؤلفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های اقتصاد ایران است.



نمودار (۲): ارتباط مبنایی مؤلفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

منبع: یافته‌های تحقیق

در نمودار فوق ارتباط مبنایی مجموعه مؤلفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با ابعاد اسلامی و ایرانی الگو و در چارچوب نظام اقتصادی (برش اقتصادی)

نشان داده شده است. در این تصویر، انعطاف و تغیر بعد ایرانی الگو که در قالب مؤلفه‌های کارکردی، اندازه‌ها و مقدورات تعیین‌یافته در ظرف زمان و مکان سامان یافته است، از طریق مؤلفه‌های شناختی به اصول و مبانی ثابت و کمتر متغیر که ناشی از اسلامیت الگو و بیانگر انسجام، استحکام، ثبات و اقتدار نظام اقتصادی اسلام است، متصل کند. در اثر حرکت متوازن متکامل و پیمودن چرخه پیشرفت اسلامی، به تدریج رشد متوازن محقق خواهد شد و تمامی بردارهای نامتوازن و نامتقارن که طبیعتاً در تمامی سطوح الگو وجود دارند همسو می‌شوند. این مؤلفه‌ها با ایجاد ارتباط ارگانیک و مبنایی میان تمامی اجزا و عناصر، آنها را در قالب نظامی هماهنگ، عملیاتی و منعطف وارد حوزه اقدام و عمل می‌کنند. همچنین این مؤلفه‌ها می‌توانند مسائل و چالش‌های اساسی و عمیق موجود در اقتصاد کشور را در که به‌ظاهر غیرمرتبط می‌باشند با مؤلفه‌های شناختی تحلیل و تمییز دهند و راهی را برای اصلاحات ساختاری امور بر مبنای واحد بیابند. در همین راستا، می‌توان چارچوب نظری پیش‌گفته را بر نظام اقتصادی ایران به‌صورت جزئی‌تر تطبیق داد. جدول (۱) بیانگر تطبیق این چارچوب نظری بر نظام اقتصادی ایران است:

جدول (۱): تطبیق ارکان نظام اقتصادی ایران با نظامات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نظامات الگو	مؤلفه‌های نظامات الگو	مؤلفه‌های نظام اقتصادی ایران	ارکان نظام اقتصادی ایران
نظام مطلوب	←	↔	اقتصاد اسلامی
نظام حقوقی	←	↔	قانون اساسی
نظام تصمیم‌گیری	←	↔	سیاست‌های کلی نظام
نظام مسائل	←	↔	ساختارهای اقتصادی

منبع: یافته‌های تحقیق

مؤلفه‌های نظام اقتصادی علاوه‌بر سنجش شرایط نامتوازن و ارائه راهکارهای برون‌رفت از آن، در مسیریابی به‌سوی رشد متوازن از طریق نظام حقوقی و نظام تصمیم‌گیری، نقش کلیدی دارند. در جدول فوق، چارچوب کلی نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به تفکیک زیرنظام‌های آن آورده شده است. با تأکید بر مؤلفه‌های نظامات الگو که در هر سطح قابل استخراج از منابع دینی (اعم از نقلی و عقلی) است،

می‌توان برای استقرار نسبی عدالت ولایی و رشد متوازن به راهکارهای عملیاتی دست یافت به گونه‌ای که بتوان چالش‌های اساسی اقتصاد ایران را از حیث بی‌عدالتی که در قالب انحصارات اساسی و ملی تبلور یافته است مرتفع ساخت و واقعیت‌های اقتصادی را به سمت اهداف مندرج در مؤلفه‌های شناختی هدایت کرد.

۵. مؤلفه‌های نظام تصمیم‌گیری اقتصادی براساس مدل نظری مختار

با توجه به الگوی نظری مختار درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از ارکان اساسی در نظام اقتصادی الگو، نظام تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی است که همگی آنها در مجموع تبیین‌کننده کیفیت حرکت اقتصادی است که مبتنی بر آیه ۲۲ ملک همان «مشی سوی» یا «مشی متوازن» است. اهمیت این رکن از آنجا ناشی می‌شود که تمامی تنظیمات عادلانه و ساختاری هنگامی بروز و ظهور می‌یابد که ساختار این بخش نیز از فرآیندهای مبتنی بر عدالت برخوردار باشد، انتخاب‌ها عادلانه و در مسیر تحقق عبودیت الهی باشد، رابطه میان انسان با خدا را ابتدأً مستحکم نماید و سپس سایر روابط فردی و اجتماعی را براساس این رابطه بنیادین تنظیم و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نماید و بدین ترتیب نظام حقوقی مبتنی بر حق الهی و حق الطاعه محقق گردد و همان‌گونه که ذکر آن رفت، با تحقق بخشیدن به این حقوق اجتماعی، زمینه‌های رشد متوازن را فراهم کند. البته نظام تصمیم‌گیری عادلانه نیز بسیار وسیع و گسترده است و در این زمینه نیز در جمهوری اسلامی کارهای زیادی صورت پذیرفته است ولی اینجا برای شناسایی مؤلفه‌های اساسی در نظام اقتصادی الگو، به‌عنوان نمونه، سیاست‌های کلان برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی که نسبت بیشتری با مقوله عدالت اقتصادی دارد و همچنین سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی و بیانات رهبر انقلاب اسلامی در تبیین آنها مورد توجه قرار داده‌ایم و تلاش کرده‌ایم که پس از ملاحظه این سیاست‌ها، جدول مؤلفه‌های نظام تصمیم‌گیری را مبتنی بر عدالت اقتصادی بازسازی کنیم.

۵-۱. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه

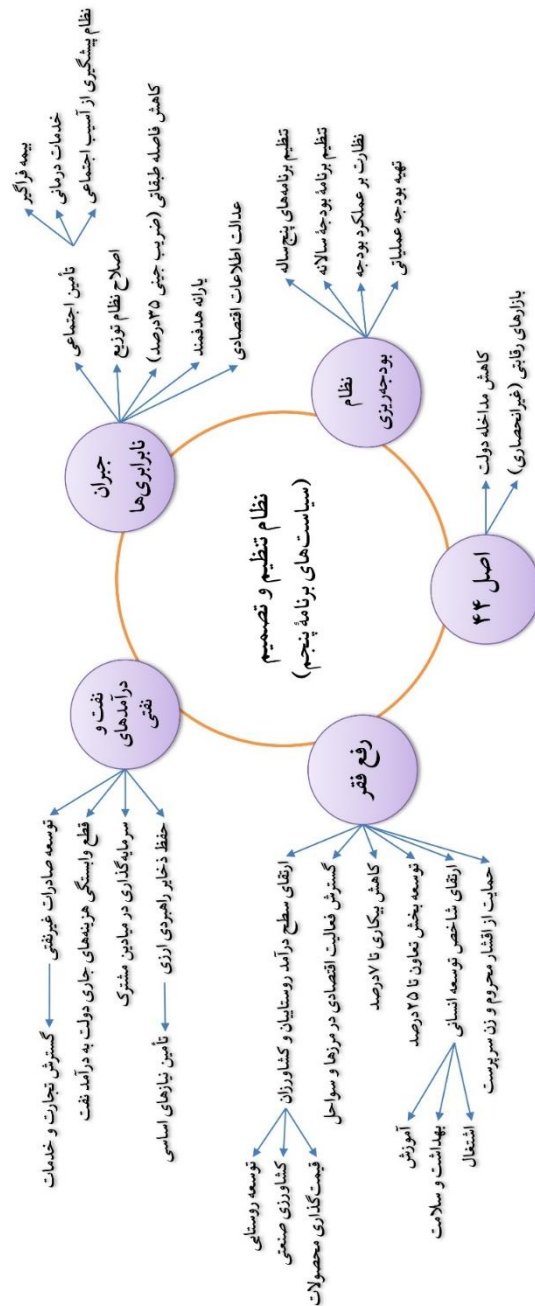
براساس روش «توازن حق‌مدار» تمامی سطوح توازنی بر مبنای شناخت اقامه قسط و عدل طراحی گردیده است. سومین سطح توازن بر مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توازن در سطح ساختاری تنظیم و تصمیم است. از این‌رو به‌نظر رسید بهترین سند نظام تصمیم‌گیری

برای شناخت مؤلفه‌ها همان سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه باشد که براساس وفاق کارشناسی در فرآیند نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران تدوین و ابلاغ شده است. این سند بعدها به‌عنوان محور اصلی تدوین قانون برنامه پنجم توسعه در مجلس شورای اسلامی گردید و قوانین برنامه و بودجه سالیانه نیز براساس آن تدوین می‌شود. از آنجا که سیاست‌های ابلاغی برنامه پنجم تصریحاً با رویکرد پیشرفت و عدالت طراحی گردیده است، حرکت به‌سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت آغاز شده است و همچنین با توجه به اینکه توجه به مدار حق و عدالت در نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در آن مورد تأکید بوده است، می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از اسناد توازنی در سطح تصمیم و تنظیم مطرح شود.^۲ همان‌گونه که در این سند مشهود است، در بخش امور اقتصادی و نیز عدالت اجتماعی مؤلفه‌های اقتصادی در دو سطح تحقیقی و تحقق‌ی قابل دسته‌بندی است به‌نحوی که مستقیم یا غیرمستقیم می‌توان گفت این مؤلفه‌ها در ارتباط با عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌باشند و به‌عنوان اقتضائات عقلی آن محسوب می‌گردند. با تحلیل محتوای این سند می‌توان مؤلفه‌های ذیل را در سطح نظام تصمیم‌گیری به‌دست آورد:^۳

- **مدیریت درآمدهای نفتی:** این بخش ضمن تصریح بر حفظ ذخایر و سرمایه‌های ملی و ارزی و تخصیص آنها برای رفع نیازهای اساسی و استراتژیک نظام، بر راهبردهایی از این قبیل تأکید می‌کند: تأمین منافع ملی و گرفتن حق بهره‌برداری، استخراج از میادین مشترک نفتی با سایر کشورها، پرهیز از صرف درآمدهای نفتی در هزینه‌های جاری دولت که موجب انحصار، فساد و ظلم فاحش اقتصادی و همچنین باعث به‌هم‌ریختگی نظام اقتصادی می‌گردد، هدایت درآمدهای نفتی به‌سمت گسترش صادرات غیرنفتی برای افزایش اشتغال و تولید و همچنین سرمایه‌گذاری‌های تولیدی.
- **اصل ۴۴:** این اصل نیز که به‌خودی‌خود در گسترش عدالت اجتماعی و جلوگیری از انحصار نقش بسیار مهمی دارد از جنبه‌های مختلف می‌تواند زمینه‌ساز رفع فقر و محرومیت باشد. به‌عنوان مثال، گسترش مالکیت‌های تعاونی به ۲۵ درصد اقتصاد ملی، رقابتی شدن بازار تولید، خروج از رکود فعالیت‌های اقتصادی، کوچک‌شدن دولت رانتهی و نفتی، جلوگیری از تبعیض‌های ناروا و غیرواقعی، فعال‌سازی بخش خصوصی در حوزه‌های سرمایه‌گذاری تولید و ...

- رفع فقر و محرومیت: مؤلفه‌هایی مانند ارتقای سطح درآمد روستاییان، گسترش فعالیت اقتصادی مرزداران، توسعه بخش تعاون، افزایش شاخص‌های توسعه انسانی از قبیل آموزش، بهداشت، سلامت و اشتغال و همچنین حمایت مالی از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار در این سیاست‌های کلی ذکر شده است. با این حال به نظر می‌رسد این مؤلفه‌ها از جامعیت لازم برخوردار نیستند و بیشتر جنبه عملیاتی دارند و گزینش آنها فاقد مبنای مشخصی است.
- کاهش فاصله طبقاتی: این مقوله در قالب مؤلفه‌هایی چون جبران نابرابری‌های اجتماعی از طریق گسترش اطلاعات تجاری، اصلاح سیاست‌های مالیاتی، هدفمندی یارانه‌ها، بیمه، تأمین اجتماعی و خدمات درمانی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، بهبود ضریب جینی و اصلاح نظام توزیع درآمد، تلاش می‌کند تا فاصله طبقاتی را در جامعه کاهش دهد. متأسفانه علی‌رغم اینکه این سیاست‌ها در دوره‌ها و دولت‌های مختلف همواره مطرح بوده است اما در عمل چندان توفیقی حاصل نشده است.
- نظام بودجه‌ریزی: این نظام که بیشتر مسئولیت تخصیص و توزیع درآمدهای ملی را دارد به خوبی می‌تواند ابزاری برای گسترش عدالت یا بی‌عدالتی باشد. شیوه تخصیص، منطبق توزیع ثروت و قدرت که محور قوام اجتماعی و اقتصادی است، در این برنامه مورد توجه بوده است. تمامی مؤلفه‌های دیگر در حوزه برنامه‌ریزی و اقدام به‌نحو مؤثری تحت تأثیر این محور می‌باشند.

بنابراین در سطح توازن در تنظیم و تصمیم و با توجه به سند سیاست‌های کلی برنامه پنجم می‌توان ادعا کرد که بخش عمده‌ای از مؤلفه‌های ناظر به برقراری عدالت و ایجاد رشد متوازن در این برنامه مغفول مانده است. مؤلفه‌های عدالت در این سیاست‌ها نه تنها از مؤلفه‌های نظام مطلوب فاصله چشم‌گیری دارد بلکه حتی از ظرفیت‌های عدالت‌گستری قانون اساسی نیز که در بخش نظام حقوقی بحث شد، به خوبی استفاده نشده است.



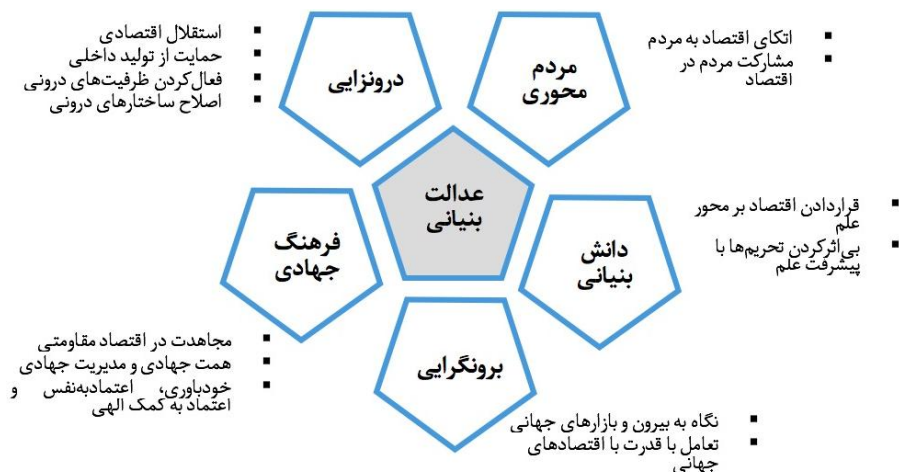
شکل (۱): مؤلفه‌های نظام تصمیم‌گیری بر اساس سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۵. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در اسفند ماه ۱۳۹۲ که به ضرورت شرایط اقتصادی کشور پس از تحریم و جنگ اقتصادی ابلاغ گردید، از جهات مختلف قابل بررسی است.

جهت اول، الهام‌گیری از نظام اقتصادی اسلام، جهت دوم راهبردی بودن و تأثیرگذاری بر شرایط فعلی اقتصاد کشور، جهت سوم منشأ فرهنگی و انقلابی و جهت چهارم، عدالت‌بنیانی و مردم‌محوری. با تحلیل بندهای ۲۴ گانه سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی و نیز بیانات رهبر انقلاب اسلامی در تبیین و تفسیر این سیاست‌ها با استفاده از روش‌شناسی داده‌بنیان، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با مبنای قرارداد عدالت، در قالب مدل مفهومی ذیل قابل ترسیم است:



شکل (۲): مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مبتنی بر عدالت

منبع: یافته‌های تحقیق

۵-۲-۱. عدالت بنیانی

عدالت اقتصادی از پایه‌های اساسی اقتصاد اسلامی محسوب می‌شود و به همین دلیل وجه تمایز اقتصاد مقاومتی از سایر نظام‌های اقتصادی، و خصوصاً نظام سرمایه‌داری نیز قلمداد می‌شود. اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی تعاریف متضادی از عدالت ارائه می‌دهند که از نظر رهبر انقلاب مطرود شمرده می‌شوند. «چون دنیای سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دمکراسی برایش مسأله عدالت، مسأله فرعی و درجه دو و ابزاری است و برای آنها مسأله نفع و سود و پول مسأله اصلی است، موجب نمی‌شود که ما از عدالت به معنای یک مسأله محوری و اصلی صرف نظر کنیم. ما در قالب‌های اقتصادی و در کارکرد

سیاست داخلی و خارجی‌مان، مسأله عدالت محور است.» (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۸۳/۰۵/۲۵). ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «ما با نظام سوسیالیستی هم، به همین اندازه فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می‌گیرد؛ ابتکار و میدان را می‌گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن تعلق می‌کند. این، غلط اندر غلط است.» (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۷۲/۰۵/۱۲).

۵-۲-۲. درون‌زایی و برون‌گرایی

درون‌زایی یک متغیر در اقتصاد متعارف به معنای تعیین ارزش آن متغیر از طریق روابط داخل یک سیستم است. مثلاً اگر قیمت را عوامل داخلی بازار و به صورت خودکار تنظیم نمایند، ارزش متغیر قیمت به صورت درون‌زا تعریف شده است؛ اما اگر دخالت‌های دولت ارزش آن را معین کند، دیگر قیمت متغیری درون‌زا نخواهد بود. این تعبیر از درون‌زایی هر چند واجد خصوصیتی است که با مفهوم موردنظر ما شباهت دارد، اما به دلایلی که مجال طرح آن در این مختصر نیست، نمی‌تواند در ادبیات اقتصاد مقاومتی از شرایط کنونی کشور، تصویر کاملی را ارائه دهد. از همین رو می‌توان درون‌زایی را به معنای جوشش از درون، فعلیت یافتن استعدادهای درونی و نیازهای ذاتی تعریف کرد.

به هر روی دنگرش در عرصه اقتصاد کشور وجود داشته است. نگرش اول که متأسفانه در انزوا بوده است، اعتقاد جدی به ظرفیت‌های درونی کشور برای پیشرفت دارد و نگرش دوم به افق‌هایی در خارج از کشور چشم دوخته است. آنچه مهم است این است که درون‌زایی را نباید به مفهوم درون‌گرایی به کار برد. بر این اساس کشوری می‌تواند در عین درون‌زایی نگاه‌های جهانی داشته باشد و سعی نماید با گسترش مرزهای سرمایه‌گذاری و مبادلات کالایی به خارج از کشور قدرت جهانی داشته باشد. این جهان‌گرایی به هیچ وجه انفعالی نیست و بلکه برعکس از یک روحیه فعال و اثرگذار نشأت می‌گیرد. به دیگر سخن باید با هویت مستقل و مستحکم با اقتصاد جهانی تعامل داشت و در آن اثر گذاشت نه آنکه از آن اثر پذیرفت.^۴

نتیجه طبیعی و منطقی پیروی از سیاست‌های اقتصاد درون‌زا، توجه ویژه به تولیدات داخلی و ملی است. سیاست‌گذاری‌های تقویت تولیدات داخل در جانب عرضه اقتصاد شامل بخش سرمایه‌گذاری و نیروی‌کار است و در جانب تقاضا شامل بخش مصرف می‌شود.

۵-۲-۳. دانش بنیانی

اقتصاد دانش بنیان از بعد سلبی به معنای اقتصاد غیرنفتی است و از بُعد ایجابی اقتصادی است که در آن مازاد و یا ارزش افزوده اقتصادی، از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع با فناوری پیشرفته به دست می‌آید. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد. اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می‌توانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نه‌خیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها - تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند - می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته می‌شود دانش محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه صنعت‌گر یا کشاورز که در طول سال‌های متمادی کارهای بزرگی را براساس تجربه انجام داده‌اند، این‌ها نقش ایفا نکنند؛ نه‌خیر، نقش بسیار مهمی هم به عهده این‌ها است (بیانات مقام معظم رهبری در ۱/۰۱/۱۳۹۳)».

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها که در صنایع دانش‌بنیان وجود دارد، مدیریت ریسک است. به عبارت بهتر از آنجا که ریسک سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های خصوصی در طرح‌های نوآورانه (که غالباً از سوی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ارائه می‌شود) بالاست، این شرکت‌ها تمایل چندانی برای سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز ندارند. از طرف دیگر مؤسسات وابسته به دولت نیز مثل سایر مؤسسات، اولاً با مشکل واردات مواد اولیه و

مواد مؤثره و نیز واردات تکنولوژی‌های بهره‌ور، مواجه‌اند و ثانیاً در برخی صنایع ساختارهایی به شدت انحصارطلبانه و مافیایی دارند. دلایل و علل این ساختار فاسد باید به تفصیل مورد ارزیابی قرار گیرد، اما هرچه هست قطعاً فرآیند خصوصی‌سازی به این شکل رایج، تن‌ها نوع انحصارگران را تغییر خواهد داد و به یک اصلاح ساختاری منجر نخواهد شد.

۴-۲-۵. فرهنگ و مدیریت جهادی

مقاومت اقتصادی مستلزم داشتن روحیه جهادی و انقلابی در فعالیت‌های اقتصادی است. از این رو می‌توان گفت بنا به تعریف، اقتصاد مقاومتی مستلزم تقویت مدیریت و روحیه جهاد و مقاومت در مدیران اقتصادی و توده مردم است. مقدمه شناخت اقتصاد مقاومتی، درک صحیحی از مفهوم مقاومت است. مقاومت در علم صرف، در باب مفاعله است. مفهوم این باب دلالت بر وجود ارتباطی از جنس موافقت یا مخالفت دارد که البته در مورد مقاومت، مفهوم مخالفت ادراک می‌شود. بنا به این قاعده لغوی، مقاومت دارای دو طرف است که در مقابله با یکدیگر حرکتی را انجام می‌دهند. در این مفهوم دوست و دشمن معنا پیدا کرده و طرفین مخالفت را تشکیل می‌دهند. دشمن در مقاومت می‌تواند از جنس نفسانیات خود فرد یا از جنس انسان‌ها و حکومت‌ها باشد. در مفهوم اول یعنی نفسانیات، اقتصاد مقاومتی در صحنه سبک زندگی ایفای نقش می‌کند و در مفهوم دوم، ابعاد دیگری را تحت پوشش خود قرار می‌دهد.

ایجاد این باور عمومی در میان مردم که مدیریت جهان توسط جبهه‌هایی تمامیت‌خواه صورت می‌گیرد و در این جبهه‌بندی‌ها یا ناچار از تسلیم هستیم یا ناچار از جبهه‌گیری و مقاومت از ضروریات و اولیات پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی است. لذا پس از تبیین مفهوم مقاومت، بایستی آن را به باوری عمومی تبدیل کنیم. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «امروز در این برهه از زمان، مسأله اقتصادی از همه مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه مسائل اقتصاد، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید

بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند» (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۰۱/۰۱). ایشان در بازه‌های زمانی مختلفی تلاش کرده‌اند ضرورت جهاد و تقویت روحیه جهادی را به‌عنوان یکی از لوازم پیشرفت اقتصادی تبیین کنند. در سایه روحیه جهادی، اقتصاد مقاومتی رنگی مقدس به‌خود می‌گیرد و سختی‌های که ممکن است در مسیر اقتصاد مقاومتی بر ملت تحمیل شود، در سایه این تقدس به‌خوبی قابل عبور می‌شوند.

۵-۲-۵. اقتصاد مردمی

مردمی بودن اقتصاد دارای دو بُعد سلبی و ایجابی است. در بعد سلبی آن اشاره به «دولتی نبودن اقتصاد» دارد و در بعد ایجابی آن ناظر بر به‌کارگیری سرمایه و نیروی انسانی و خلاقیت‌های مردم است. مقام معظم رهبری در این خصوص معتقدند:

«این اقتصادی که به‌عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است. با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت -به‌عنوان یک مسئول عمومی- نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آنجایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد. آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه دولت است؛ تسهیل می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

مردم و به تبع آن مشارکت مردمی در اقتصاد کشور و با توجه به رویکرد اقتصاد مقاومتی، نیاز به بازتعریف دارد. در این راستا تبیین حقوق مردم در حوزه مالکیت و مدیریت، میزان و سازوکار انتفاع آنها از ثروت عمومی و نیز آشنایی آنها با ساختار حقوقی و تکلیفی شان از مؤلفه‌های تأثیرگذار در بازتعریف جایگاه مردم در اقتصاد به‌شمار می‌رود. در مبانی اقتصاد اسلامی این حقوق و تکالیف گاهی به اجمال و گاهی به تفصیل، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال قاعده احیای اراضی موات در فقه اسلامی، نمونه‌هایی از ایجاد ارتباط میان فعالیت مردم، تولید ثروت عمومی و حق مالکیت، مدیریت و انتفاع است. اسلام با تأکید بر نقش و حقوق مدیریتی مردم، آنها را به شکوفایی و آبادانی ظرفیت‌های بالقوه و فراموش شده اقتصاد ملی ترغیب می‌کند. سیاستی که عملاً منافع فردی را در راستای منافع ملی قرار می‌دهد و با سایر ارکان اقتصاد مقاومتی، نظیر توسعه درون‌زا و دانش‌بنیان و سهم‌بری عادلانه عوامل تولید در پیوند است.

اقتصاد مردمی برداشت جدیدی از نحوه مشارکت مردم در اقتصاد است و از این منظر با سازوکارهای بخش خصوصی و بخش تعاونی تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد. از این رو پیش از بازتعریف الگوی جدید مشارکت مردم در اقتصاد لازم است این تفاوت‌ها و شباهت‌ها اجمالاً مورد ارزیابی قرار گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی اجمالی مؤلفه‌های استخراج شده از اسناد مصوب و بیانات رهبری به‌عنوان مفسر اقتصاد مقاومتی و نیز با توجه به مؤلفه‌های مستخرج از نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظام اقتصادی قانون اساسی و در نهایت امور اقتصادی برنامه پنجم توسعه، این نکات اساسی به‌دست می‌آید:

۱. مؤلفه‌های اساسی به‌دست آمده در صورتی که به محوریت «عدالت‌بنیانی» طبقه‌بندی شوند، به مبانی نظام اقتصادی الگوی اسلامی یا همان نظام اقتصاد اسلامی نزدیک می‌شوند و با این رویکرد می‌توان مؤلفه‌های تحقیقی ارائه شده را ذیل طبقه‌بندی این نظام سامان‌دهی کرد.

۲. مؤلفه‌های تحقیقی ارائه شده بعضاً با مؤلفه‌های تحقیقی و بعضاً با مؤلفه‌های تحقیقی قانون اساسی همراهی و هم‌پوشانی دارند.

۳. مؤلفه‌های تحقیقی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بعضاً با مؤلفه‌های تحقیقی و بعضاً با مؤلفه‌های تحقیقی سیاست‌های پنجم همراهی و هم‌پوشانی دارند.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی براساس دستگاه تحلیلی عدالت‌بنیان و معطوف به مسائل عینی و مشکلات جامعه طراحی گردیده است. علت اصلی ثبات اقتصادی و ایجاد امنیت اقتصادی در تکیه بر عدالت بوده و انعطاف آن و دقت در حل مسائل عینی مشخصه‌هایی هستند که از این جهت می‌توان به مزیت این مؤلفه‌های ارائه‌شده در نظام‌های چهارگانه تأکید کرد.

در هر حال با تأکید بر مؤلفه‌های نظام مطلوب، قانون اساسی، اقتصاد مقاومتی و درنهایت برنامه پنج‌ساله نظام، با توجه به اینکه تمامی آنها براساس ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با مفهوم عدالت اقتصادی طراحی شده‌اند، می‌توان ادعا کرد که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی این سطوح نظامات تا حدودی هم‌سو گردیده‌اند. ولی مسأله اینجاست که آیا با وجود این مقدار هم‌سوئی تا زمانی که عدم تطابق منطقی میان سطوح توازنی وجود دارد، می‌توان به حل مسائل کلان اجتماعی امیدوار بود؟ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هماهنگی در مبنای شناخت و منطبق تجزیه و تحلیل نظامات و مسائل عینی، در ارائه راهکارهای مؤثر بسیار مهم است. سطحی‌نگری و تشابه لفظی در عبارات، شعارها و کلمات نمی‌تواند محقق را قانع سازد و همواره درباره کاربرد مؤلفه‌ها و مفاهیم، ضرورتاً باید به مبانی و سیر منطقی آنها توجه ویژه داشت.

یادداشت‌ها

۱. اشاره به آیه ۲۲ سوره ملک.

۲. انتظار می‌رود این سیاست‌ها که با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت تنظیم شده، بتواند در جای‌جای کلیه فعالیت‌های کشور چه در بُعد تقنین و چه در بُعد اجرا ظاهر گردد (ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱).

۳. روش ما در این بخش براساس تحلیل محتوای اسناد مذکور بوده است. بدین ترتیب که با مرور هر سند، تلاش کرده‌ایم مفاهیم مورد تأکید در آن سند را شناسایی کنیم و سپس با مقوله‌بندی این مفاهیم، به شمایی کلی از محتوای سند دست پیدا کنیم.

۴. متأسفانه در فرهنگ عمومی نخبگانی کشور ما ورود به مناسبات جهانی معمولاً معادل با تأثیرپذیری یا پذیرش قواعد جهانی در نظر گرفته می‌شود. هرچند کشورهای سلطه‌جو سعی می‌کنند فرهنگ و اقتصاد خود را جهانی قلمدا نموده و به این بهانه آن را ترویج نمایند، اما این امر دلیل موجهی بر پذیرش و انفعال از سوی کشور ما نخواهد بود.

کتابنامه

- اسلامی، سیدغلامرضا (۱۳۹۲). توسعه درون‌زا در الگوی پیشرفت، گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد ۱)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- اعرابی، سیدمحمد (۱۳۹۲). الگوهای فرآیندی و نتیجه‌ای در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد ۱)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- امیدی، مهدی (۱۳۹۲). مبانی روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد ۱)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- بلنک، ربکا و ویلیام مک‌گرن (۱۳۹۰). اخلاق و بازار؛ گفتگویی درباره دین، علم اقتصاد و عدالت (علی سعیدی، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۷۹). الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان (چاپ اول)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۸۷). معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر). فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۸(۳۲)، ۷-۳۶.
- حسینی، سیدرضا؛ و محمد، محمدی‌ری‌شهری (۱۳۸۵). توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.

حکیمی، سیدمحمد (۱۳۸۱). زمینه‌ها و موانع تحقق عدالت اقتصادی، قم: دانش و اندیشه معاصر. حمیدی، عقیل، علیرضا، علی‌احمدی، و الداغی، امیر (۱۳۹۱). ضرورت تأملی بر تحلیل مفهومی توسعه تا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مجموعه مقالات اولین کنفرانس نقشه راه طراحی و تدوین الگو، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۱). مدینه عادل؛ مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن کریم. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲). الگوی پیشرفت و عقلانیت حاکم بر آن؛ گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.

درخشان، مسعود (۱۳۹۰). ملاحظاتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

دلالی اصفهانی، رحیم، و بخشی دستجردی، رسول (۱۳۹۰). الزاماتی برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر دانش اقتصاد. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

رحمانی، جعفر (۱۳۹۲). روش‌شناسی و اجزای الگوی پیشرفت؛ گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد ۱)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.

محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۴۱۲). التنمية الاقتصادية في الكتاب و السنة و التاريخ (چاپ اول)، قم: دارالحدیث.

زاهدی‌وفا، محمدهادی (۱۳۹۲). مراحل تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد ۱)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.

زریباف، سیدمهدی (۱۳۸۶). نظری بر اندیشه توسعه عدالت محور. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۵ (۴۱ و ۴۲)، ۳۶-۶۷.

- زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۲ - الف). مبانی، سیر تدوین، مدل مفهومی و الزامات تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۵(۱۰)، ۱۲۷-۱۵۶.
- زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۲ - ب). نقشه راه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۵). مؤلفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (رساله دکتری)، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.
- زریباف، سیدمهدی؛ و جدیدزاده، علی (۱۳۸۸). دورنمای نظام مطلوب اقتصادی عادلانه. مجموعه مقالات توسعه مبتنی بر عدالت، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- زریباف، سیدمهدی؛ و سعیدی، علی (۱۳۹۴). جایگاه نظام فناوری مطلوب در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: پژوهشکده مطالعات فناوری.
- زریباف، سیدمهدی و شیرجیان، محمدحسین (۱۳۸۹). تخصیص بهینه درآمدهای نفتی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مجموعه مقالات اولین همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: پژوهشکده صدرا.
- زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۴). رشد متوازن؛ مقدمه‌ای بر الگوی نظری فقرزدایی در ایران (چاپ اول)، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد و امور دارایی.
- سبحانی، حسن (۱۳۹۲). مبانی، جایگاه و ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- سوزنچی، ابراهیم (۱۳۹۱). پارادایم شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ضرورت شناخت رابطه میان نظام سرمایه‌داری و مرگ معنویات. مجموعه مقالات اولین کنفرانس نقشه راه طراحی و تدوین الگو، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- صدر، محمدباقر (۱۳۵۷). اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصاد اسلام (عبدالعلی اسپهبدی، مترجم). تهران: اسلامی.
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۸). اقتصادنا (چاپ دوم)، بیروت: المجمع العلمي للشهید الصدر.

عبدی، بیژن (۱۳۹۲). رویکردهای تحلیلی الگوهای اسلامی ایرانی پیشرفت. گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۱). نظریه‌ای در تبیین مبانی نظری توزیع ثروت و درآمد در نظام اقتصادی اسلامی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۶(۲۴)، ۵۶-۸۰.
عیوضلو، حسین (۱۳۸۵). عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

عیوضلو، حسین (۱۳۹۲). روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ بررسی موردی بانکداری اسلامی. گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.

فیض‌کاشانی، محسن (۱۴۱۶ق). التفسیر الصافی، قم: الهادی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: الوفاء.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۶۲). میزان الحکمه (چاپ اول)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۹۰). مفهوم و ماهیت عدالت و پیشرفت با رویکرد

اسلامی ایرانی. فصلنامه راهبرد توسعه (راهبرد یاس)، ۷(۲۵)، ۱۹۵-۲۱۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۴۰۳ق). بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: حکمت.

میرمعزی، حسین (۱۳۷۸). نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی) (چاپ اول)، تهران: کانون اندیشه جوان.

نبوی، سیدمرتضی، و ملایری، محمدحسین (۱۳۹۲). مفهوم‌شناسی نظریه‌پردازی الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت. گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

(جلد اول)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی

رئیس‌جمهور.

نبوی، لطف‌الله (۱۳۹۲). روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول)، تهران: مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.

نوراحمدی، محمدجواد (۱۳۹۰). عدالت و رشد در نظام‌های اقتصادی از دیدگاه تحول مفهوم مالکیت در نظریه‌پردازی‌های اقتصادی (رساله دکتری)، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.

هادوی‌تهرانی، مهدی (۱۳۸۳). مکتب و نظام اقتصادی اسلام، تهران: خانه خرد.